

از سری
کتاب‌های



SETAREGAN
SARZAMIN
AFTAB

دو نفر از پیرایه

پادشاه علی‌اکبر

www.ketab.ir

۱۳۲۷ -	سیناسه
: دو مجله از یک سیب / نویسنده پرستشهر علی محمد جاد: گریز آوری و مصاحبه سعید جلالی	عنوان و نام پدید آور
: ستارگان سرزمین آفتاب	مشخصات نشر
: ۱۶۰۰ ص - مصور: ۱۳۱۲ س م	مشخصات ظاهری
: ۲۰۰۰۰ ریال ۶-۸-۱۸۵۵۱-۹۸۵۸-۶۰۰	شابک
	وضعیت فهرست نویسی : فیا
: مستغان، احمد، ۱۳۴۵-۱۳۶۴	موضوع
: مستغان، محمود، ۱۳۴۷-۱۳۶۳	موضوع
: جنگ ایران و عراق ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - شهیدان - سرگذشتنامه	موضوع
: Iran-Iraq, War, Martyrs-Biography, ۱۹۸۰-۱۹۸۸	موضوع
: شهیدان - ایران - بازماندگان - خاطرات	موضوع
: Martyrs-Iran-Survivors-Diaries	موضوع
: جلالی، سعید، ۱۳۶۱ - گریز آورنده	شناسه افزوده
: ۱۳۶۹ م / ۵۸۰ DSR	رده بندی کنگره
: ۹۵۵/۸۴۳-۹۲	رده بندی دیویی
: ۵۱-۶۲۵۸	شماره کتابشناسی ملی



تلفن: ۰۸۶-۳۲۲۶۶۰۸۲ - ۰۸۶-۳۲۲۶۶۰۸۳ - نمايش: ۰۸۶-۳۲۲۶۶۰۸۳ - www.shohud.ir

- ♦ دو نيمه از يك سيب
- ♦ نوبت چاپ: پيرستو علي عسگر نجاد
- ♦ ناشر: انتشارات گاه سبز آفتاب
- ♦ طراح جلد و صفحه آرا: سید محمد موسوی، مجید صادقیان
- ♦ نظارت کيفی و آماده سازی و چاپ: ابراهيم صادقی
- ♦ کارشناس فني: ابوالقاسم صفريزاده
- ♦ نظارت بر چاپ: وحيد صادقی
- ♦ ليتوگرافي و چاپ: مجتمع چاپ هم کيشان
- ♦ نوبت چاپ: اول / زمستان ۱۳۹۷
- ♦ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- ♦ قيمت: ۲۰۰/۰۰۰ ريال
- ♦ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۵۵۱-۸-۶

حق چاپ برای مرکز حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس محفوظ است.

با حمايت:

کنگره ملی نقش امام خمینی (ره) در دفاع مقدس و ۶۲۰۰ شهید استان مرکزی
اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان مرکزی
مرکز حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس بسیج سپاه روح الله (ره) استان مرکزی

مرکز پخش: اراک / میدان امام حسين (ره) مرکز حفظ آثار و نشر ارزش های
دفاع مقدس بسیج سپاه روح الله (ره) استان مرکزی

تلفن ۰۸۶-۳۲۲۶۶۰۸۳

به جای مقدمه

از همان اولین قرار مصاحبه، از همان اولین جملات، در همان اولین پرسش، خودش را «مادر شهیدان احمد و محمود مستعان» معرفی کرد؛ انگار هر چه را که هست، از یاد برده و نیست شده باشد در هست پسرانش. حتی اجازه ندادم نام کوچکش را بنویسم و در بند روایت و قاعده و قانون روایت‌گری ام ننماید. خواست تنها «مادر» باشد. همه این صفحات پیش رو هم اگر متولّد شدند، تنها به شوق چشم‌های شصت و هشت ساله زلالش بود که می‌خواست نشانی از جگرگوشه‌هایش را در دست داشته باشد. می‌خواست ببیند هنوز کسانی هستند که چشم‌چشم می‌کنند به بیشتر خواندن و دانستن از شهدا.

این کتاب، روایتی است از کنج دل یک مادر شهید؛ از اعماق دلی که خوش است به دوقاب عکس، به دومزار دوردست، به خاطره‌هایی که آن‌ها را از صندوقچه یادگاری‌های قلبش بیرون کشید و در دست‌هایم گذاشت تا کلمه شوند. روایت بسیار بود و راوی، بسیار تر.

هرکس به قدر کوزه‌ای چشیده بود از این دریا و از زاویه چشم‌های خودش، «احمد و محمود مستعان» را روایت کرد؛ دشوار و ناتمام، به قاعده «ریختن بحر در کوزه‌ای». اما ناب‌ترین و عزیزترین روایت از آن کسی بود که احمد و محمود، عزیزترین بودند برایش، انگار که دو تکه از دلش، دو نیمه از یک سیب.

بعضی تشکرها را باید به دنیایی دیگر و انهاد که کلمه‌های کوچک این عالم زمینی، چنان که شایسته است، نمی‌توانند حق مطلب را ادا کنند. به قدر وسع اندکم اما، سپاس گزارم از «فاطمه مستعان» که چشم‌های برادرانش را به یادگار دارد و نگاه گرم او و صبر خواهرانه‌اش در مسیر نگارش این اثر، دلگرمی من بود و بارها و بارها در بازنویسی‌ها یاری‌ام کرد. ممنونم از «سعید جلایی» که به همت بلند همیشه‌اش، مرداد داغ اهواز را تاب آورد و پنج سفر به جان خرید تا یاران قدیمی احمد و محمود را پیدا کند و پای حرف‌هایشان بنشیند. هم‌چنین از «محمد حبیبی» و «سعید رجائی‌ان» که او را همراه این سفر دشوار، همراهی کردند و زحمت بسیار کشیدند.

سپاس گزارم از «حاج سعید وفایی مقدم» که هم در مصاحبه‌ها همراه بود و هم صبورانه و پدران‌ه، برای من نابلد، عملیات‌ها و جغرافیای جنگ جنوب را توضیح داد تا دشواری کار احمد و محمود و دوستانشان را بهتر بفهمم. هم‌چنین از «علی رضا مرادی» که با حوصله و به دقت، اثر را خواند و بزرگوارانه در تصحیح محتوایی آن، کمک کرد.